

# شهرک‌های فراموش ناشدنی کرزی

آنچه را که کرزی نمی‌خواست مردم بدانند

استاد صباح -- قسمت دوم



« به قول شاعر و نویسنده ، به من توصیه می‌کنند می‌گویند : از خوشی و خنده بنویس...»

زیرا نوشته هایت درد دارند ! و من به یاد مردی می‌افتم ،

که باگیتارش ، در ایستگاه بس خیلی مست و شاد می‌نواخت...»

اما با چشمانی اشک آلوده و تر!! ...»

میزان کشت و برداشت تریاک در افغانستان در سال جاری میلادی به حد بی سابقه‌ای افزایش یافته و نسبت به سال گذشته میلادی، افزایش پنجاه نو درصدی را به نمایش گذاشته است. مدیر اجرایی دفتر امور مواد مخدر در سازمان ملل متحد با اعلام این خبر گفت: چنین آمار و ارقامی برای دولت افغانستان و کمک‌کنندگان بین‌المللی به این کشور بسیار هشداردهنده است. براساس اظهارات آنتونیو ماریا کاستا سازمان‌های بین‌المللی که از سال ۲۰۰۱ میلادی تلاش فراوانی را برای کاهش کشت خشخاش در افغانستان صورت داده بودند اکنون باید تدابیر جدیدی برای مقابله با کشت و برداشت مواد مخدر در افغانستان ببیند. به گفته کاستا افزایش کشت مواد مخدر در افغانستان، ناشی از قدرت گرفتن مجدد طالبان در جنوب یعنی منطقه مساعد برای کشت تریاک است.

شورشیان و نیروهای وابسته به طالبان، حملات خود را در بخش‌های مختلف افغانستان شدت بخشیده‌اند و در عین حال برای افزایش و رونق بخشیدن به تجارت موادمخدر نیز از هیچ تلاشی فروگذار نکرده‌اند. طالبان در عین حال به پرورش دهندگان خشخاش اطمینان داده‌اند که در صورت افزایش برداشت تریاک، سود ناشی از آن به صورت تضمین شده در اختیار پرورش دهندگان قرار خواهد گرفت. به گفته کاستا در سال جاری میلادی، برداشت تریاک بالغ بر ۶۱۰۰ تن خواهد

بود که این میزان ۹۲ درصد از کل کشت و برداشت تریاک در سطح جهان را تشکیل می دهد. این میزان نسبت به سال گذشته میلادی افزایشی ۴۹ درصدی نشان می دهد و این در حالی است که در سال ۱۹۹۹ میلادی و به هنگام سقوط طالبان، میزان برداشت تریاک در افغانستان ۴۶۰۰ تن بود. به گفته مقامات سازمان ملل متحد کشت مواد مخدر در افغانستان اکنون به سطح غیرقابل کنترل رسیده است.

همچنان کرزی رئیس از چنین آماری ابراز تاسف کرده و از جامعه جهانی خواسته است که فعالیت های خود برای تقویت پولیس و مقابله با کاشت مواد مخدر را شدت بخشد. دولت آمریکا نیز نابودی خشخاش و مقابله با کشت مواد مخدر را یکی از ابعاد مهم برنامه کمک رسانی به افغانستان دانسته است و دولت حامد کرزی را به علت ناکامی در به چالش کشیدن والیان جنگ سالار ولایات در مقابله با تولید تریاک مورد انتقاد شدید قرار داده است.

افزایش کشت و برداشت مواد مخدر در حالی انجام می گیرد که دولت عملاً بر بخش های جنوبی افغانستان کنترل خاصی ندارد و گروه های نظامی مخالف، دهقانان و دلالان در کنار برخی نیروهای فاسد دولتی و پولیس تجارت مواد مخدر را حرفه اصلی خود قرار داده اند. افغانستان پیشتر نیز به عنوان بزرگترین تولیدکننده تریاک در سطح جهان شناخته می شد و ۳۵ درصد از تولید ناخالص داخلی از تجارت مواد مخدر به دست می آید. بیشتر هروئین به دست آمده از خشخاش در اروپا و آسیا فروخته می شود.

افزایش کشت خشخاش نیز بیشتر در پنج ولایت در جنوب و به خصوص در هلمند، قندهار و ارزگان صورت پذیرفته است یعنی همان مناطقی که به خاطر حملات مداوم طالبان شرایط امنیتی باثباتی نیز ندارند. بیانیه سازمان ملل متحد درخصوص افزایش تولید خشخاش در عین حال تاکید می کند که بخش های جنوبی افغانستان به علت کشت و برداشت گسترده مواد مخدر و تجارت آن، تروریسم، جنایت و فساد به مکان خطرناکی تبدیل شده است. بنابر اظهارات سازمان ملل متحد ارتباطی قوی میان تشدید شورش و ناآرامی و افزایش تولید مواد مخدر در افغانستان یافته است. وی گفت که طالبان دهقانان را به افزایش کشت خشخاش در برابر حفظ امنیت و جان خود دعوت می کند.

طالبان در عین حال برای حفاظت از کاروان های حمل مواد مخدر در مناطق مرزی، از دلالان این مواد مالیات دریافت می کند. از سوی دیگر گفته می شود که اقدامات اخیر طالبان در این عرصه و ترغیب دهقانان برای افزایش کشت خشخاش، به هدف برانگیختن واکنش دولت طراحی شده است. اگر دولت برخورد سختی با دهقانان مواد مخدر داشته باشد، آن گاه مردم علیه دولت شورش خواهند کرد و این همان هدفی است که طالبان در ذهن می پرورانند. سازمان ملل متحد در عین حال تمام تقصیر را متوجه طالبان نمی داند. ملل متحد در همین راستا والی سابق ولایت هلمند را به ترغیب دهقانان منطقه برای افزایش کشت خشخاش در ماه های پایانی حضورش در صدر قدرت متهم کرده است. نتیجه سیاست های این والی به افزایش ۱۶۰ درصدی برداشت خشخاش در این ولایت منجر شده که در سایر مناطق بی سابقه بوده است. کاستا در عین حال از اقدام دولت در راه دادن والی سابق هلمند در پارلمان به شدت انتقاد کرده است. وی اعلام کرده که درخواست سازمان ملل متحد از مقامات «جابه جایی» مسئولان فاسد نیست، بلکه خروج آنها از دولت مورد توجه سازمان ملل متحد قرار دارد. در همین حال ولایت بدخشان در شمال نیز شاهد افزایش قابل توجه تولید خشخاش بوده است و از آنجا که این ولایت با مشکل حضور نیروهای طالبان و شورشیان مواجه نیست، چنین افزایشی غیرطبیعی می نماید. به اعتقاد کاستا افزایش تولید خشخاش در بدخشان به عدم توانایی دولت در کنترل منطقه و حضور والیان جنگ طلب، فاسد و قدرتمند در آن برمی

گردد. وقوع خشکسالی نیز در این منطقه به مشکلات دامن زده است زیرا هیچ جایگزینی برای کشت خشخاش در آن وجود ندارد. با وجود آنکه دولت فعالیت های خود برای مقابله با کشت خشخاش را توسعه بخشیده است اما در راه بازداشت و از کار برکنار کردن مقامات دولتی فاسد و تاجران مواد مخدر، موفقیت چندانی به دست نیاورده است. در همین حال، بنا بر گزارش سازمان ملل متحد، قرار بوده که ۳۸ هزار جریب زمین های زیر کشت خشخاش نابود شوند اما تنها ۱۲ هزار جریب از این زمین ها نابوده شده اند. بر این اساس، اطلاعاتی که از سوی دولت در این خصوص ارائه شده، از نظر سازمان ملل متحد کاملا اغراق شده و نادرست است. به گفته کاستا در سال ۲۰۰۵ میلادی والیان ولایات مختلف اعلام کرده بودند که ۸۷ هزار جریب زمین های زیر کشت خشخاش را نابود کرده اند اما سازمان ملل متحد تنها توانسته است نابودی ۱۲ هزار جریب آن را تایید کند.

کرزی طی حکمی دستور تشکیل کمیسیون مبارزه با فساد اداری را صادر نمود.

در کمیسیون مبارزه با فساد اداری که ریاست آن به عهده رئیس ستره محکمه و عضویت وزیر عدلیه، لوی ثارنوال، نمایندگان پارلمان و همچنین نماینده ای از وزارت مالیه عضویت دارند. این کمیسیون از صلاحیت بالایی برخوردار بوده و قرار است عاملین فساد اداری را تا بالاترین سطوح قدرت تحت تعقیب و بازپرسی و مجازات قرار دهد (چیزی که امکان ندارد). کمیسیون مبارزه با فساد اداری در حالی شکل می گیرد که قبل از آن نهاد های دیگری به این منظور تشکیل یافته بود. علاوه بر این کمیسیون ها، در قالب تشکیلات هر وزارتخانه، اداره کنترل و تفتیش که وظیفه آنها نظارت بر عملکرد مامورین و حسن اجرای قانون است، نیز وجود دارد. اما با وجود تمام این نهاد های گوناگون حکومت نه تنها قادر به مهار فساد در ادارات نشده است بلکه همین نهاد ها خود تبدیل به معضل پیچیده دیگری شده اند. سوالی که هم اکنون در ذهن مردم وجود دارد این است که کمیسیون مبارزه با فساد اداری، میزان فساد در ادارات را افزایش نخواهد داد؟. رحیمی سخنگوی کرزی در کنفرانس مطبوعاتی گفت که وظیفه این کمیسیون بررسی و تدوین استراتژی مبارزه با فساد اداری است اما واقعیت این است که با وجود چندین اداره با هدف همسان در کشور، هیچ گونه تعریف مشخصی از شرح وظایف و مکلفیتهای آنها ارایه نشده است. یکی از مهم ترین چالش ها در ادارات تداخل وظایف میان ادارات و وزارت خانه ها است که نه تنها سبب کندی کار بلکه باعث هدر رفتن انرژی و توان قوای انسانی وزارت خانه ها و ادارات در منازعات بی خود شده است. چه ارتباط میان اصلاحات اداری، ریاست مبارزه با فساد اداری، اداره های کنترل و تفتیش با کمیسیون تازه تأسیس مبارزه با فساد اداری است.

چه تعاملی میان آنها وجود دارد، کدام یک استراتژی خواهد بود؟ اینها سوالاتی است که هنوز پاسخی نیافته است زیرا بر اساس اظهارات سخنگوی علاوه بر تدوین و تعیین استراتژی مبارزه با فساد اداری، به این کمیسیون اجازه داده شده تا کسانی را که در امر فساد اداری درگیر هستند حتی در عالی ترین سطوح، به زندان بفرستند. بنابراین، بدون تفکیک وظایف و تعیین حدود و ثغور آن ایجاد کمیسیون پشت کمیسیون جز اینکه روند کار را با مشکل مواجه کند، نتیجه دیگری نخواهد داشت. بدون شک فساد اداری تنها در گرفتن رشوه خلاصه نمی شود.

اگر کارمندی، مأموری و مسئول عالی رتبه ای به هر نحوی خود را از قانون فراتر تلقی کند و قانون را برای دیگران بخواهد، جزء فساد اداری است عدم آگاهی کامل از قانون، برخورد سلیقه ای و مالکیتی باوزارت خانه ها و ادارات دولتی، خرید و فروش مقامات حکومتی از مظاهر بارز فساد اداری می باشد. در این تردیدی نیست که برای سامان بخشیدن به

وضعیت آشفته کشور نیاز به افراد متخصص و نخبه است اما این نکته را هم نباید فراموش کرد که برای خیلی ها افغانستان به حیث تفریحگاه و وطن سومی آنها محسوب می شود.

کسانی که حتی حاضر به باطل کردن مدرک اقامتی خود در قبال داشتن یک پست حساس و کلیدی در این کشور نیستند، چگونه انتظار کار دلسوزانه و متعهدانه از آنها داشته باشیم؟ از جانب دیگر تعدادی دیگری که در کرسی های قدرت لمیده اند سالیان درازی از چوروچپاول ، ازدزدی و راه گیری ، از زورگویی و بی بندوباری، از کشتن و بستن و بردن ، از بی قانونی و بخیل سری و از ظلم و وحشت ثروت انداخته اند ، پس به چنین کمیسیونهای اعتناء خواهند کرد؟ . پس راه مبارزه با فساد اداری در ایجاد کمیسیون های رنگارنگ و مختلف نیست بلکه دریافتن ریشه های فساد و خشکانیدن آن، تعریف وظایف این نهاد ها و داشتن یک اراده صادق می باشد. مثال زنده و برجسته آن بگرویزن جندي قبل بين ريس لوي ثارنوالي و صديق چکري بود . یکی از عمده ترین مشکلات نظام اداری افغانستان فساد اداری و به خصوص فساد گسترده در این چند سال اخیر است.

ادامه دارد ...

تقیه کزیده های مقالات استاد صباح کلک نمای